

کارکردهای تفسیری صحیفه سجادیه در تبیین جایگاه نبوت*

فتحیه فتاحی‌زاده^۱

مرضیه محمص^۲

فاطمه ادایی‌خضری^۳

چکیده

مراجعه و بهره‌مندی از سنت گفتاری و مکتوب معصومان (ع)، از جمله مهمترین قواعد تفسیر قرآن محسوب می‌شود؛ زیرا از این رهگذر تفصیل معارف و رفع ابهام از مفاهیم مجمل قرآنی حاصل می‌شود. صحیفه سجادیه به مثابه یکی از مهمترین منابع روایی شیعه در قالب نیایش، مضامین قرآنی پیرامون مقام رسول اکرم (ص) را به شیوه‌ای دقیق تفسیر و تبیین نموده است. در این جستار با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از انسجام موضوعی و به‌کارگیری سیاق درون‌متنی، متن صحیفه و قرآن کریم پیرامون جایگاه نبوت مورد واکاوی قرار می‌گیرد و به این پرسش پاسخ داده می‌شود که کارکردهای روایات صحیفه سجادیه در توضیح آیات قرآنی با موضوع جایگاه نبوت کدام است؟ در دسته‌بندی سه‌گانه کارکردهای تفسیری، برهان‌آوری و نیز جری و تطبیق، اهتمام امام سجاد (ع) به تفسیر آیات قرآنی مرتبط با جایگاه نبوت از بسامد بیشتری برخوردار بوده است. بازآفرینی آیات قرآنی و تصویرسازی‌های دقیق درباره جایگاه نبوت، افقی روشن از این مفهوم را برای مخاطبان در تمامی اعصار می‌نمایاند. واژگان کلیدی: قرآن، صحیفه سجادیه، امام سجاد (ع)، کارکردهای تفسیری، جایگاه نبوت.

* دریافت: ۹۷/۱۲/۲۸ پذیرش: ۹۸/۰۵/۱۶ (مقاله پژوهشی).

۱. استاد دانشگاه الزهرا (س) / f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir

۲. استادیار دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده الهیات و ادیان / m_mohases@sbu.ac.ir

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا (س) (نویسنده مسئول) / f.adaee.khezri1348@gmail.com

۱- مقدمه

میراث روایی اهل بیت (ع) از جمله سرمایه‌های گرانگ در تفسیر قرآن به شمار می‌آید. صحیفه سجادیه جزو ادعیه مأثور است و در روشنگری آیات قرآنی نقش به‌سزایی دارد. البته، این کتاب گرانگ از این زاویه کمتر مورد توجه مفسران و قرآن‌پژوهان قرار گرفته است. پیوند ناگسستنی و عدل بودن قرآن و عترت که از حدیث ثقلین و ده‌ها روایت دیگر بر می‌آید، بایسته بودن رجوع و مطالعه سخنان آن بزرگواران را به عنوان سرچشمه اصلی روایات تفسیری مشخص می‌سازد.

«روایات تفسیری به آن دسته روایاتی اطلاق می‌شود که به گونه‌ای در تبیین مفاد آیات قرآنی و مدالیل و مقاصد آنها دخالت دارند» (دیاری بیدگلی، ۱۳۹۰، ص ۲۴) و «مفسران و قرآن‌پژوهان، جهت رفع ابهام آیه بدان استشهاد نموده و آن را یکی از منابع مهم تفسیر دانسته‌اند» (ربیع نتاج، ۱۳۹۴، ص ۳).

برجستگی ارجاعات اندیشوران امامیه از گذشته تا کنون به صحیفه سجادیه و ثبت نام شروح مختلف آن در فهرست‌های نجاشی (م. ۴۰۵ ق)، (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۴۲۶) شیخ طوسی (م. ۴۶۰ ق) (طوسی، بی‌تا، ص ۴۷۷) و ابن شهر آشوب مازندرانی (م. ۵۸۸ ق) (مازندرانی، بی‌تا، ص ۴۷)، همچنین تصریح علمای شیعه که در کتاب‌های خود تصریح نمودند که صحیفه از متواترات است (رک: آقابرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۱۸ / صدر، ۱۳۹۵، ص ۲۸۴) جای کمترین تردیدی در صحت انتساب این اثر به امام سجاد (ع) باقی نمی‌گذارد.

در این تحقیق، نگارندگان با قبول نظریه مستند بودن صحیفه به این اثر نگریده‌اند و تنها در پی آنند که مهم‌ترین کارکردهای تفسیری دعا‌های صحیفه سجادیه را به عنوان میراث روایی امام سجاد (ع) در موضوع جایگاه نبوی، شناسایی شود و با دقت مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. تنها اثری که پیرامون نبوت در صحیفه نگاشته شده، پایان‌نامه هانیه آوند با موضوع «نبوت و امامت در صحیفه سجادیه» است که در سال ۱۳۸۶ دفاع شده^۱ و در آن، صرفاً موضوعات نبوت بیان شده و آیات مرتبط نیز ذیل موضوعات آورده شده است، بدون اینکه کارکرد تفسیری آن کشف و بررسی شود؛ ولی پژوهش پیش‌رو، در موضوع جایگاه نبوی، درصدد پاسخگویی به این پرسش است که کارکردهای دعا‌های صحیفه سجادیه در توضیح آیات قرآنی با موضوع جایگاه نبوی کدام است؟ بررسی‌های انجام شده نشان داد که تا کنون پژوهش مستقل و جامعی در این موضوع مهم صورت نگرفته است.

۱. آوند، هانیه، «نبوت و امامت در صحیفه سجادیه» پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر عبد الرضا زاهدی، دانشگاه اصول‌الدین قم، ۱۳۸۶.

از آنجایی که روایات، کارکردهای متنوعی در رفع اجمال آیات قرآنی دارند، با کنکاش در ۵۴ دعای صحیفه مشاهده شد که مهم‌ترین گونه‌های کارکرد تفسیری صحیفه در سه بخش تبیینی، برهان‌آوری و جری و تطبیق قابل دسته‌بندی است. لذا مضمون دعاها در تبیین و توضیح و تعلیل آیات همچون بیان مصادیق و یا تطبیق مفاد آیات بر موارد مشابه و گسترش دلالت مفهومی آیات نقش به‌سزایی داشته است. در بسیاری از موارد حضرت سجاد (ع) آیه را در قالب دعا و به صورت غیر مستقیم تفسیر نموده‌اند و نتایج به دست آمده همسو با نظرات تفاسیر روایی است. قابل ذکر است که یکی از اشکالات مهم روایات تفسیری از حیث سند این است که غالباً با چند واسطه به معصوم (ع) می‌رسند؛ لذا صحیفه سجاده به عنوان منبعی اصیل و کلام بی‌واسطه از معصوم (ع) می‌تواند تأیید و امضایی برای این دسته از روایات باشد.

۲- کارکردهای تفسیری صحیفه سجاده درباره جایگاه نبوی

شمار زیادی از روایات معصومان (ع) در مقام شرح و بسط مضامین نهفته در آیات هستند و نقش انکارناپذیری در فهم مفاهیم قرآنی ایفا می‌نمایند. از این کارکرد روایات می‌توان با عنوان کارکرد تفسیری یاد کرد که از وقوع لغزش‌ها و کج‌فهمی‌ها در فرآیند فهم مفاد آیات پیشگیری می‌نماید.

با کنکاش در ۵۴ دعای صحیفه مشاهده شد که بیشترین بسامد کارکرد تفسیری در مبحث نبوی در دو دعای دوم و چهل و دوم است.^۱ دعای دوم که شامل ۲۶ فراز است، تمامی فرازها مختص به مباحث نبوی است. مهمترین مباحث این دعای پرمحتوا موضوع مهم امانتداری پیامبر (ص) در دریافت وحی، برتری امت اسلامی به سبب نعمت بزرگ رسالت، مقام امامت حضرت محمد (ص) توأم با مهربانی و صبر والای ایشان در دشواری‌های جایگاه رسالت است. در دعای ختم قرآن (دعای ۴۲) در فرازهای ۲ و ۵ و ۶ و ۸ نیز در مورد مسئولیت خطیر پیامبر (ص) در راستای تبیین قرآن، مباحث مهمی ارائه شده است. امام سجاد (ع) در قالب دعا و با فرستادن درودهای مکرر در سرتاسر صحیفه، جایگاه والای پیامبر اکرم (ص) را مشخص می‌نماید و از این روزنه زیرکانه، تفسیری بدیع و خلاقانه از آیات مختص پیامبر (ص) را برای مخاطبین خود به زیبایی به تصویر می‌کشد.

۲. در دعاهای دیگر از جمله دعای ۱/ فراز ۱۰ و دعای ۶/ فراز ۲۲، ۲۳ و دعای ۱۷/ فراز ۱۵ و... نیز به طور موردی به مباحث مربوط به جایگاه نبوی پرداخته شده است.

۲-۱- نقش تبیینی صحیفه سجاده در باره جایگاه نبوی

روایاتی از معصومان (ع) را که به تبیین آیات و واژگان قرآن کریم و نیز توضیحات بیشتری که به فهم بهتر آیه کمک می‌کند، می‌پردازد، «روایات توضیحی» می‌گویند (اعرابی، ۱۳۸۷، ص ۶۹). با کنکاش در صحیفه سجاده موارد بسیاری یافت می‌شود که در تفسیر و تبیین آیات قرآنی نقش به‌سزایی دارند.

دعاهای صحیفه می‌تواند در تفاسیر آیات که در رابطه با مسئولیت‌ها و ویژگی‌های نبی (ص) است، نقش مؤثری را ایفا نماید.

۲-۱-۱- نقش تبیینی صحیفه در مسئولیت دریافت وحی

امام سجاد (ع) در دعای چهل و دوم که در مورد ختم قرآن است، با تلمیح به آیه: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا﴾ (انسان: ۲۳/۷۶)، اولین مسئولیت نبی (ص) را که همان دریافت وحی است، بیان می‌دارد. ایشان آیه فوق را با تعبیر «وَحَيًّا أَنْزَلْتَهُ عَلَيَّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَنْزِيلًا» (دعای ۴۲/۲) بازآفرینی می‌کند.

حضرت (ع) با بازآفرینی آیه و ساختارشکنی در انتخاب مفعول مطلق و تعدیل ﴿نَزَّلْنَا﴾ به «أَنْزَلْتَهُ» دامنه دلالتی آیه را فراتر می‌برد، یعنی در یک عبارت، علاوه بر نزول تدریجی وحی بر قلب حضرت محمد (ص) «تَنْزِيلًا» به نزول دفعی آن با عبارت «أَنْزَلْتَهُ» نیز تصریح می‌نماید. خداوند از نزول دفعی قرآن بر قلب پیامبرش (ص) در شب مبارک قدر به طور مجزا در آیات (القدر/۱ و الدخان/۳) یاد نموده است.

۲-۱-۲- تبیین رسالت نبی (ص) و رفع اجمال آیات

حضرت سجاد (ع) در دعای ختم قرآن در مورد مسئولیت خطیر پیامبر (ص) در رابطه با روشننگری آیات قرآنی در جهت توضیح و تبیین آیه: ﴿وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾ (نحل: ۱۶/۴۴) به احاطه حضرت محمد (ص) بر علوم و معارف قرآنی اشاره می‌کند و پرده از حقایقی ناب بر می‌دارد و می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَيَّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُجْمَلًا وَ الْهَمَّتَهُ عِلْمَ عَجَائِبِهِ مُكْمَلًا» (دعای ۴۲/۵).

امام (ع) نزول قرآن از جانب خداوند را به‌طور «مُجْمَلًا» و علم آن نزد پیامبر (ص) را به‌طور «مُكْمَلًا» معرفی نموده‌اند. «مُجْمَلًا» به سخنی گفته می‌شود که با شرح و تفصیل بیان نشده است (راغب، ۱۴۱۲، ص ۲۰۳). واژه «مُكْمَلًا» از ریشه «کمل» می‌باشد. منظور از «کماله» یعنی تمام آن و «رَجُلٌ كَامِلٌ» یعنی فردی که همه فضیلت‌ها را داراست (زمخشری، ۱۹۷۹، ص ۵۵۱). بنابراین،

مراد امام از «مُجَمَّلًا» آن است که قرآن شامل اسرار و احکام غیر مبیین است که در آن شرح داده نشده است. منظور از «مُکَمَّلًا» آن است که پیامبر اکرم (ص) اجمال کتاب را به طور کامل برطرف کرد. کمال شیء زمانی است که اجزاء و محاسن آن تمام و کامل گردد. مرجع ضمیر «هاء» در «عَجَائِبِهِ» قرآن است، لذا «عجائب القرآن» همان نکته‌ها و لطایف درج شده در اسلوب، مبانی و اسرار آن و نکته‌های دقیق و ریز که در مقصود و فحوای کلام پیچیده شده است و همچنین، معانی و مفاهیمی از قرآن است که برخی از آنها والاتر و فوق برخی دیگر است (مدنی شیرازی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۴۳۲).

خداوند تبیین و توضیح قرآن را وظیفه پیامبر (ص) دانسته است: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾ (نحل: ۱۶/۴۴). فعل ﴿لِتُبَيِّنَ﴾ از ریشه «بین» در اصل به معنای پرده برداشتن و روشن سازی بعد از ابهام و اجمال است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۳۹۵). این فعل در متن قرآنی نشان‌دهنده نقش پیامبر (ص) در رابطه با تفهیم کلام وحی به مخاطب می‌باشد. حضرت رسول اکرم (ص) با اعمال و گفتارش، آیات قرآن را تبیین و تشریح کرده است (سید بن قطب، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۲۱۷۳).

حضرت سجاد (ع) با آوردن عبارت «وَأَلْهَمْتُهُ عِلْمَ عَجَائِبِهِ مُكَمَّلًا» از نزول ثانویه وحی بر پیامبر (ص) خبر می‌دهد. نص صحیفه دلالت دارد که این وحی به صورت الهام بوده که در متن قرآنی، صریحاً، نامی از آن برده نشده است؛ لکن خداوند با فعل ﴿لِتُبَيِّنَ﴾ به طور ضمنی به آن اشاره کرده است. نکته قابل تأمل اینکه، با نگاه در ساختار ظاهری صحیفه می‌توان دریافت که حضرت سجاد (ع) علم به عجائب قرآن را موجب تبیین کلام وحی می‌داند و با عبارت «عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ... أَلْهَمْتُهُ» تصریح می‌نماید که این علم نزد پیامبر (ص) وجود دارد.

با توجه به سیاق عبارت بعدی در همین فراز (دعای ۴۲/فراز ۴) و همچنین، در هم‌تندگی دو متن از لحاظ مضمونی می‌توان به هدف حضرت (ع) در رساندن تفسیر دقیق از آیات قرآنی پی‌برد. به عبارت دیگر، قرآن به تنهایی نمی‌تواند مشکلات بشریت را حل نماید، بلکه رجوع به سنت رسول اکرم (ص) و به تبع آن، ائمه اطهار (ع) و پیروی از راه و روش ایشان که طبق متن صحیفه «وَوَرَّثْنَا عِلْمَهُ مُفَسَّرًا» (دعای ۴۲/فراز ۵)، وارثان علم قرآنی پیامبر (ص) هستند، موجب روشن شدن نقاط ابهام و تبیین مجملات قرآنی است.

۲-۱-۳- تبیین جایگاه الگویی پیامبر (ص)

این بخش از دعای صحیفه «فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ» (دعای ۴۲/فراز ۶) مکمل و مفسر این آیه می‌باشد: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾ (نحل: ۱۶/۱۲۵).

واژه «الْخَطِيبِ» از ریشه «خطب» به معنای رویاروی سخن گفتن و رد کردن کلام به یکدیگر و مراجعه در کلام است. «خُطْبَةٌ» به معنای اندرز گفتن است و این واژه مختص موعظه است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۶۱/راغب، ۱۴۱۲، ص ۲۸۶).

کلمه «الْخَطِيبِ» در متن صحیفه با ﴿الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾ در متن قرآنی ارتباط معنایی دارد. ﴿الْمَوْعِظَةُ﴾ از ریشه «وعظ» به معنای نصیحت کردن و یادآوری سرانجام عمل است (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۱۸۱) و در اصل به معنای راهنمایی به سوی حق با یادآوری‌ها و آگاهی‌های سودمند و مناسب است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱۳، ص ۱۶۳).

منظور از عبارت ﴿الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾ همان خطابه می‌باشد (مدنی شیرازی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۴۶۶). براین اساس، می‌توان گفت، عبارت «الْخَطِيبِ بِهِ» در صحیفه، ارتباط لازم و ملزومی با عبارت قرآنی ﴿الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾ (نحل: ۱۶/۱۲۵) برقرار نموده است، زیرا که «خطبه» و «خطابه» مختص «موعظه» است و سخنران برای اندرزگویی و نصیحت دیگران ملزم است که مردم را موعظه کند. در این صورت، به سخنران واعظ می‌گویند.

نکته قابل توجه این است که عبارات هر دو متن مقید شده‌اند. در متن قرآنی ﴿الْمَوْعِظَةُ﴾ با کلمه ﴿الْحَسَنَةِ﴾ مقید شده و کلمه «الْخَطِيبِ» با مرجع ضمیر (قرآن) در «بِهِ» مقید گشته است. این دو قید مشخص می‌نمایند که سخنرانی و موعظه‌ای که به پیامبر (ص) نسبت داده شده، خاص و متمایز است. پس با توجه به موارد ذکر شده می‌توان دو متن را درون هم اینگونه تفسیر نمود که موعظه‌ها و پندهای پیامبر (ص) همگی منشاء قرآنی دارد و برگرفته از روی علم الهی است چراکه ایشان خطیب وحی الهی هستند: «الْخَطِيبِ بِهِ (القران)». بنابراین، هر جا و در هر مکان خطبه‌های پیامبر (ص) نیز در جهت رسیدن انسان‌ها به کمال، آموزنده و مثمر ثمر خواهد بود. ایشان واعظی هستند که به حکم الهی مأمور شده‌اند که به نیکوترین روش، خلق خدا را به سوی خدا پند و اندرز نمایند ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾.

همچنین چون پیامبر(ص) خطیب وحی هستند، الگو و راهبرد دعوت الهی که ایشان با آن مأمور شده تا خلق را به راه پروردگارش دعوت کند، همان قرآن است. «الْخَطِيبِ بِهِ (القران)» یعنی با علم و حکمت قرآنی پیامبر (ص) می‌تواند مردم را به شیوه‌ای نیکو موعظه نماید ﴿الْمَوْعِظَةُ﴾

الْحَسَنَةَ ﴿نحل: ۱۶ / ۱۲۵﴾ و در جای خود نیز با ایشان به بهترین شکل مجادله نماید (نحل: ۱۶ / ۱۲۵). بر این اساس، کلام امام (ع) مکمل و متمم سخن خداوند است.

۲-۱-۴- تبیین همراهی مقام رسالت و امامت

امام (ع) در دعای دوم که در مورد تحیت و درود بر رسول اکرم (ص) می‌باشد، به شیوه دعا ایشان را «إِمَامِ الرَّحْمَةِ» معرفی می‌نماید. با بررسی‌های لغوی و رجوع به نظر شارحان صحیفه و مفسران قرآن می‌توان از آن، جهت توضیح و تبیین آیه ۱۲۴ بقره استفاده نمود. خداوند درباره این آیه که موضوع امامت حضرت ابراهیم (ع) مطرح شده است، با پیامبرش گفتگو نموده و طی پرسش و پاسخی کوتاه مقام امامت را فقط شایسته نسل پاک حضرت ابراهیم می‌داند و می‌فرماید: ﴿وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (بقره: ۱۲۴ / ۲).

پیامبر اکرم (ص) به ویژگی‌هایی متصف بودند که باعث رشد و تعالی ایشان شد تا جایی که به امامت مسلمانان منصوب گشتند و از جمله پیامبرانی است که مانند جد بزرگوارشان، حضرت ابراهیم (ع)، علاوه بر مقام نبوت به مقام امامت نیز نائل آمدند. حضرت سجاد (ع) در متن صحیفه از این خصوصیت برجسته ایشان اینگونه یاد می‌کند: «مَنْ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ... إِمَامِ الرَّحْمَةِ» (دعای ۲ / فراهی ۱ و ۳).

نقطه اشتراک در ساختار دو متن واژه «امام» است. امام در لغت به معانی ذیل آمده است: کسی که به او اقتدا می‌شود (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۴۲۸ / ابن فارس، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۸)؛ مقدم (ابن منظور، ۱۳۷۵، ج ۱۲، صص ۲۴-۲۵)؛ قیم و سرپرست (طریحی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۱۰)؛ طریق و راه (همان). معانی مذکور بی‌ارتباط با یکدیگر نیستند و مفاد لغوی واژه مطلق است و شامل هر فرد یا کتابی می‌شود که نسبت به عده‌ای مقدم، مقتدا و سرپرست است (یزدی مطلق و جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷، ص ۴۵). به همین دلیل به خلیفه، عالمی که به او اقتدا شود و کسی که در نماز به او اقتدا کنند نیز، امام می‌گویند (مدنی شیرازی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۴۵۷). عبارت قرآنی ﴿لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ بیانی برای شرافت امامت و فضیلت بزرگ آن است. کمال امام او را از ارتکاب ستم به خود یا غیر خود باز می‌دارد و خداوند نیز از امام عهد گرفته که به اصلاح امور مردم و ارشاد و هدایت آنها پردازد (بلاغی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۲۴).

عبارت «صَفِيكَ مِنْ عِبَادِكَ» (دعای ۲ / فراز ۳) تبیین و توضیحی بر عبارت قرآنی ﴿مِنْ ذُرِّيَّتِي﴾ می‌باشد، یعنی حضرت محمد (ص) نیز طبق اصطفا‌ی الهی از برگزیدگان مقام والای امامت از ذریه حضرت ابراهیم (ع) می‌باشد. چنانکه تفاسیر روایی نیز مراد از ﴿آلِ اِبْرَاهِيمَ﴾ در آیه ﴿اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰٓ اٰدَمَ وَاٰنُوْحًا وَاٰلَ اِبْرٰهِيْمَ وَاٰلَ عِمْرٰنَ عَلٰى الْعٰلَمِيْنَ﴾ (آل عمران: ۳ / ۳۳) را حضرت محمد (ص) و خاندانش معرفی نموده‌اند (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۲۸ / بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱، صص ۶۱۲-۶۱۴).

۲-۱-۵- تبیین مقام مهرگستری پیامبر (ص)

نمونه دیگر از کارکرد تبیینی کلام امام سجاد (ع) در عبارت «فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ اُمِّيْنِكَ عَلٰى وَحْيِكَ... اِمَامِ الرَّحْمَةِ» (دعای ۲ / فراز ۳) می‌باشد که تبیین و تکمیل آیه ذیل است: ﴿وَمَا اَرْسَلْنَاكَ اِلَّا رَحْمَةً لِّلْعٰلَمِيْنَ﴾ (انبیاء: ۲۱ / ۱۰۷). در هر دو متن واژه «رحمت» مشترک است که از «رحم» گرفته شده که به معنای رقت، عطوفت و مهربانی است (ابن فارس، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۹۸).

در این فراز، «اِمَامِ الرَّحْمَةِ» برخلاف صفات «امین»، «نجیب»، «صفی»، «امام»، «قائد» و «مفتاح» که با «واو» عطف به اسم «محمد» معطوف شده‌اند، بدون حرف «واو» آمده و بیانگر کمال اتصال این صفت با موصوف مقدس خویش است (تجلیل، ۱۳۸۴، ص ۴۰). وجود مبارک رسول اکرم (ص) آن چنان بابرکت بود که خداوند در قرآن به او تضمین داد تا هنگامی که در میان امتش حضور دارد، ایشان را عذاب نفرماید: ﴿وَمَا كَانَ لِلّٰهِ لِيُعَذِّبَهُمْ وَاَنْتَ فِيْهِمْ وَمَا كَانَ لِلّٰهِ مُعَذِّبُهُمْ وَّهُمْ يَسْتَغْفِرُوْنَ﴾ (انفال: ۸ / ۳۳).

در متن صحیفه واژه «رحمت» به «امام» اضافه شده تا به نوعی تبیین‌کننده و مکمل آیه ۱۰۷ انبیاء باشد. همچنین، در بالابردن دایره دلالتی آیه نقش مؤثری دارد. تفسیر دو متن در کنار هم بدین صورت است که رسالت پیامبر (ص) ﴿وَمَا اَرْسَلْنَاكَ﴾ (انبیاء: ۲۱ / ۱۰۷) فقط بر نبوت ختم نمی‌شود، بلکه ایشان پیشوا و مقتدای رثوفی هستند که همه جهانیان باید به ایشان اقتدا نمایند: «اِمَامِ الرَّحْمَةِ» (دعای ۲ / فراز ۳). سرلوحه کار پیامبر (ص) مهرگستری در سرتاسر جهان است: ﴿اِلَّا رَحْمَةً لِّلْعٰلَمِيْنَ﴾ (انبیاء: ۲۱ / ۱۰۷) البته، دامنه مهرگستری ایشان به قدری گسترده است که تا حیات ابدی نیز ادامه دارد. تجلی مهرگستری پیامبر (ص) در حیات اخروی انسان‌ها در قالب شفاعت دیده می‌شود. امام سجاد (ع) در صحیفه با الهام از قرآن در مورد مسئله شفاعت جد بزرگوارشان در قیامت، به نکات لطیفی اشاره نموده است. به‌طور مثال، حضرت (ع) در این فراز «حُسْنِ الشَّفَاعَةِ اَجَلٌ مَّا وَعَدْتَهُ» (دعای ۲ / فراز ۲۵) با اشاره به آیه ﴿وَلَسَوْفَ يَعْطِيْكَ رَبُّكَ فَتَرْضٰٓ﴾ (ضحی: ۵ / ۹۳)، در صدد تبیین مجمل است و با عبارت «حُسْنِ الشَّفَاعَةِ»، اجمال ﴿يُعْطِيْكَ﴾ را

تبیین می‌نماید. تحقق وعده‌ای که خداوند به حضرت محمد (ص) نوید داده است، همان «حُسْنِ الشَّفَاعَةِ» است. در تفاسیر روایی ذیل آیه فوق نیز مراد از رضایت پیامبر (ص)، علاوه بر پاداش جنت و نعیم اخروی به پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۲۷) شفاعت در مورد امتش می‌باشد. امام صادق (ع) فرمود: «رِضَا جَدِّي أَنْ لَا يَبْقَى فِي النَّارِ مُوَحَّدٌ» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۷۶۵ / عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۵۹۵ / فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۳۴۱) «هِيَ وَاللَّهِ الشَّفَاعَةُ لِيُعْطِيَنَّهَا فِي أَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَتَّى يَقُولَ: رَبِّ رَضِيْتُ» (عروسی حویزی و فیض کاشانی، همانجاها/ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۶۸۳).

۲-۱-۶- نقش تبیینی صلوات‌های صحیفه سجاده

خداوند در ابتدای آیه ۵۶ سوره احزاب با آوردن حرف تأکید و فعل مضارع بر صلوات‌های مکرر خود و ملائکه بر نبی اکرم (ص) تأکید نموده و به مؤمنان نیز امر می‌کند که ضمن صلوات بر ایشان، همواره تسلیم بی‌چون‌وچرای اوامر و نواهی ایشان باشند.

حضرت سجاد (ع) حدود ۲۰۰ بار در فرازهای صحیفه، بر حضرت محمد (ص) درود می‌فرستد. این درودها علاوه بر بیان اهمیت جایگاه نبوی، تبیینی بر آیه: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (احزاب: ۳۳/۵۶) نیز به شمار می‌آید. حضرت سجاد (ع) برای نبی مکرم اسلام بهترین و بالاترین درودها را از خداوند مسألت می‌نماید (دعای ۶/ فراز ۲۳ و دعای ۲۰/ فراز ۳۰). بیان دو مقام «خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ» (دعای ۱۷/ فراز ۱۵) در مورد پیامبر (ص)، همچنین مقام برتر «حَسَنِ الشَّفَاعَةِ» (دعای ۲/ فراز ۲۵ و دعای ۴۸/ فراز ۶) و بیان ویژگی‌های ارزنده‌ای همچون برگزیدگی از میان همه بندگان در عبارات: «الْمُنْتَجَبِ الْمُصْطَفَى الْمُكْرَمِ الْمُقَرَّبِ» (دعای ۴۷/ فراز ۵۰) و «نَجِيبِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ صَفِيكَ مِنْ عِبَادِكَ» (دعای ۲/ فراز ۳) و «حَبِيبِكَ وَ صِفْوَتِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ» (دعای ۴۸/ فراز ۳) و مقام امامت و رهبری ایشان که همراه با رأفت و برکت است: «إِمَامِ الرَّحْمَةِ وَ قَائِدِ الْخَيْرِ وَ مِفْتَاحِ الْبَرَكَةِ» (دعای ۲/ فراز ۳) نشانگر مقام والای پیامبر از دیدگاه امام سجاد (ع) است. اینها همه مقامات والایی است که حضرت در اثناء صلوات‌ها برای حضرت محمد (ص) بیان می‌دارد که ﴿نَبِيِّ﴾

۱. «اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، أَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَ آتِهِ عَنَّا أَفْضَلَ مَا آتَيْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ، وَ اجْزِهِ عَنَّا أَفْضَلَ وَ أَكْرَمَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ أَنْبِيَائِكَ عَن أُمَّتِهِ» (دعای ۶/ فراز ۲۳).

مطرح شده در آیه پنجاه و ششم سوره احزاب را که به صورت مجمل آمده است، تبیین می‌نماید. مخاطب با خوانش مفهوم این درودها با جایگاه و مقام والای نبوی بیشتر آشنا می‌گردد. امام سجاد (ع) در نهایت در دعای پنجاه و چهارم با ذکر یک صلوات خاصه که اختتامیه‌ای برای ۵۴ دعای صحیفه نیز می‌باشد، با بیان دو ویژگی، حضرت محمد (ص) را به عنوان رسول خدا و برگزیده‌ای که آقا و سرور مسلمانان است، معرفی می‌نماید: «و صَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ الْمُصْطَفَى وَ عَلَي آلِهِ الطَّاهِرِينَ» (دعای ۵۴ / فراز ۹) که این ویژگی‌ها تبیینی واضح برای ﴿نبی﴾ مطرح شده در آیه مورد نظر است.

همچنین حضرت سجاد (ع) در اثناء و لابه‌لای صلوات‌ها نحوه، زمان، کیفیت و کمیت آنها را نیز مشخص می‌نماید. به‌طور مثال، در دعای عرفه در دو فراز، از شش فراز پی‌درپی که مزین به ده صلوات ویژه بر رسول (ص) می‌باشد، درباره زمان، تعداد و حد و مرز صلوات، از خداوند درودی فراگیرتر از گذشته و آینده را خواستار است: «صَلَاةٌ تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَاةٍ سَالِفَةٍ وَ مُسْتَأَنَفَةٍ» (دعای ۴۷ / فراز ۵۵)، تا جایی که عمر درودها را به بقای الهی متصل می‌گرداند تا مانند کلمات الهی پایان‌ناپذیر باشد: «وَ يَتَّصِلُ اتِّصَالَهَا بِبَقَائِكَ وَ لَا يَنْفَدُ كَمَا لَا تَنْفَدُ كَلِمَاتُكَ» (۴۷ / فراز ۵۳) که نه آغازش را حدی و نه مدت آن را نهایت و پایانی است (دعای ۴۷ / فراز ۵۸). درودی همسنگ عرش عظیم و هرچه در ذیل عرش جای دارد و به انبوهی آسمان‌ها و فوق آنها و به عدد زمین‌ها و هرچه در زیر و هرچه در میان آنهاست (دعای ۴۷ / فراز ۵۹) و در آخر دعای عرفه نیز سلامی همیشگی و جاودانه «...أَبَدَ الْآبِدِينَ» (دعای ۴۷ / فراز ۱۳۳) برای پیامبر (ص) و خاندان پاکش مسألت می‌نماید.

در آیه ۵۶ احزاب درود بر ﴿نبی﴾ به خدا، ملائکه و مؤمنان مقید شده است، لیکن امام سجاد در متن صحیفه، نبی اکرم (ص) را شایسته درود و تحیت از جانب جمیع اصناف و خلائق یعنی از جن و انس گرفته تا بندگان خاص ایشان یعنی رسولان و انبیاء و اهل طاعت و ملائکه می‌داند. حضرت (ع) از این طریق گستره مفهومی آیه ۵۶ احزاب را بالا برده و تفسیری بدیع از آیه فوق ارائه می‌کند. به عبارت دیگر، درود بر رسول (ص) فقط مختص خدا و ملائکه و اهل ایمان نیست و شامل جمیع مخلوقات است. این صلوات ویژه، بیانگر مقام والای نبوی است.

همچنین، حضرت سجاد (ع) درودی به ارزش جان پیامبر (ص) آن‌سان که جان خویش در راه دین خدا نهاده است، (دعای ۲ / فراز ۴ و ۵ و ۱۵) از خداوند مسألت می‌نماید. ایشان با بیان ویژگی‌های خاصی برای درودهای نبوی مانند پاک‌ترین درودها «صَلَاةٌ زَاكِيَةٌ لَا تَكُونُ صَلَاةً أَرْكَى مِنْهَا» (دعای ۴۷ / فراز ۵۱) که تقرب هرچه بیشتر خداوند به پیامبر را در پی داشته باشد (دعای ۴۷ / فراز ۵۹) و درودهایی که باعث خشنودی خدا «صَلَاةٌ مَرْضِيَّةٌ لَكَ» (دعای ۴۷ / فراز ۵۵) و

رسول خدا «صَلَاةٌ تُرَضِّيهِ وَ تَزِيدُ عَلَي رِضَاهُ» و سایر خلائق گردد: «وَلَمَنْ دُونَكَ» (دعای ۴۷/فراز ۵۵)، به علاوه، خلق و آفرینش درودی نو که باعث مضاعف نمودن درودهای قبلی ما گردد و به سبب مرور ایام چنان افزایش یابد که جز خدا کسی نتواند آن را بشمارد: «وَتَزِيدُهَا عَلَي كُرُورِ الْاَيَّامِ زِيَادَةً فِي تَضَاعِيفٍ لَا يَعْدُهَا غَيْرُكَ» (دعای ۴۷/فراز ۵۵)، علاوه بر بیان ارزش کار پیامبر (ص) کیفیت صلوات فرستادن بر ایشان را نیز مشخص می‌نماید، درحالی‌که در آیه مورد نظر صلوات به‌طور مطلق آمده است: ﴿يُصَلُّونَ عَلَي النَّبِيِّ... صَلُّوا عَلَيَّ﴾ (احزاب: ۵۶/۳۳).

۲-۲- نقش برهان‌آوری صحیفه سجاده درباره جایگاه نبوی

بهره‌گیری از مجموعه روایات معصومان (ع) در موارد متعددی به درک عمیق لایه‌های معنایی آیات و تسلط‌یابی بر تفصیل جزئیات و دلایل آموزه‌های کلامی موجود در قرآن کریم می‌انجامد. این کارکرد روایات، «کارکرد برهان‌آوری» نامیده می‌شود. در برخی از فرازهای صحیفه سجاده، امام سجاد (ع) در قالب دعا مطالبی را عنوان می‌دارند که با کنکاش در محتوای آن و کنار هم قرار دادن سیاق عبارات، می‌توان در ذکر برهانی برای آیات قرآنی استفاده نمود که این خود در تبیین و روشن‌سازی آیات تأثیر به‌سزایی دارد.

به عنوان مثال، امام سجاد (ع) در فرازهای مکرری در قالب صلوات و در لابه‌لای دعاها، با بیان مسئولیت‌های خطیر جد بزرگوارشان، براهینی ارائه می‌نماید که مطالعه آنها علت نزول آیه تحیت را در شأن ایشان اثبات می‌نماید که در ادامه بدان پرداخته می‌شود:

پیامبر (ص) از اوامر الهی مبنی بر ابلاغ رسالت و اندرز امت اسلام اطاعت می‌کرد (دعای ۶/فراز ۲۲). لذا حضرت سجاد (ع) در دعای ختم قرآن در قالب صلوات، پیامبر اکرم (ص) را به پاس رساندن پیام الهی به گوش خلق و اندرز نیکوی بندگان، شایسته درودهای الهی می‌داند (دعای ۴۲/فراز ۱۷). همچنین امام (ع) با بیان جایگاه نبوی در دریافت وحی تنزیلی^۱ (دعای ۴۲/فراز ۲)، مسئولیت خطیر امانتداری وحی^۲ (دعای ۲/فراز ۳) و تبیین آیات توسط شخص پیامبر (ص) به خاطر تسلط علمی ایشان به شگفتی‌های قرآن (دعای ۴۲/فراز ۵) و در نهایت، نقش پیامبر (ص) به عنوان خطیب قرآن^۳ (دعای ۴۲/فراز ۶) مسئولیت‌های خطیری را برای جد

۱. «وَحَيًّا أَنْزَلْتَهُ عَلَي نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ تَنْزِيلًا».

۲. «اللَّهُمَّ فَصَّلْ عَلَي مُحَمَّدٍ أَمِينِكَ عَلَي وَحْيِكَ».

۳. «فَصَّلْ عَلَي مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ».

بزرگوارشان عنوان می‌نماید که همه بیانگر مقام و جایگاه والای نبی (ص) است و علت نزول آیه تحیت را در شأن ایشان روشن می‌سازد.

همچنین، عبودیت ایشان قبل از نیل به مقام رسالت «تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ» (دعای ۶/ فراز ۲۲) خود برهانی بر آیه مورد نظر است. حضرت سجاد (ع) با بیان مسئولیت‌های خطیر پیامبر (ص)، علت درود خاصه خدا و جمیع ملائکه‌اش را بر رسول خویش بیان می‌دارد. موارد ذکر شده برهانی بر این بخش آیه: ﴿وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (احزاب: ۵۶/۳۳) نیز می‌باشد، زیرا به دلیل نقش پیامبر (ص) در تبیین آیات الهی (دعای ۴۲/فراز ۵) که به هدایت خلق به سوی خالق منتهی می‌شود (دعای ۴۲/فراز ۸)^۱، تنها راه رسیدن مؤمن حقیقی به رشد معنوی و سعادت اخروی این است که تسلیم محض اوامر و نواهی پیامبر (ص) شود.

همچنین، با کنکاش در مسئولیت‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد شخص پیامبر (ص) که در صلوات‌های صحیفه نهفته شده است، می‌توان به اهمیت این موضوع پی‌برد که چرا خداوند در آیات متعدد (آل عمران: ۳/۳۲ و ۱۳۲، نساء: ۴/۵۲، مائده: ۵/۹۲، انفال: ۸/۱ و ۲۰ و ۴۶، نور: ۲۴/۵۴، مجادله: ۵۸/۱۳، تغابن: ۶۴/۱۲) به‌طور مستقیم مؤمنان را خطاب قرار داده و بعد از اطاعت خود، اطاعت از رسولش را واجب کرده و حتی اطاعت از پیامبر را هم‌ردیف اطاعت از خود آورده است (نساء: ۴/۸۰).

۲-۲-۱- ذکر برهان برای اثبات عصمت پیامبر (ص)

حضرت سجاد (ع) در دعای دوم فضایی را برای رسول (ص) عنوان می‌دارد که متصف شدن پیامبر (ص) به این صفات و ملکات ویژه، از جمله امانتداری، برگزیده شدن از میان آفریدگان: «نَجِّبِكَ مِنْ خَلْقِكَ» (دعای ۲/فراز ۳)، همچنین، خالص شدن از میان بندگان: «صَفِيكَ مِنْ عِبَادِكَ» (دعای ۲/فراز ۳)، خود دلیل و برهانی بر عبارت قرآنی ﴿لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (بقره: ۲/۱۲۴) است. حضرت (ع) در این فراز، پیام آیه قرآن را که بر «بَلْ يَنَالُ عَهْدِي الْمَعْصُومِينَ» دلالت دارد، به مخاطب می‌رساند.

۲-۲-۲- ذکر برهان برای دشواری‌های مقام رسالت

«خدای سبحان علم و قدرت بی‌پایان را در اختیار کسانی قرار می‌دهد که از نهایت حلم و بردباری برخوردار باشند» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۰۰). حضرت محمد (ص) شایسته این پاداش الهی بود، چرا که علاوه بر تحمل آزار مشرکان که بسیار سخت و طاقت‌فرسا بود، فتنه‌گری‌ها و آزار منافقان به ظاهر مسلمان را نیز با پایداری هرچه تمام‌تر به جان خریدند.

۱. «مُحَمَّدًا عَلِمًا لِلدَّلَالَةِ عَلَيْكَ».

امام سجاد (ع) از خودگذشتگی جد بزرگوارشان در راه رسالت اینچنین یاد می‌نماید: «وَأَدَّابَ نَفْسَهُ فِي تَبْلِيغِ رِسَالَتِكَ وَاتَّعَبَهَا بِالِدُّعَاءِ إِلَى مِلَّتِكَ» (دعای ۲ / فراز ۱۳-۱۴): [حضرت محمد (ص)] جان خویشتن را در رسانیدن پیام تو به سختی درافکند و در دعوت به آیین تو در رنج انداخت. این سخن حضرت دلیل و برهانی است بر نزول چند آیه ذیل که خداوند نیز به‌طور ضمنی به رنج‌های پیامبرش اشاره می‌نماید و در تسلی دادن خاطر ایشان می‌فرماید: ﴿مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى﴾ (طه: ۲/۲۰)، ﴿لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾ (الشعراء: ۳/۲۶) و ﴿فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾ (فاطر: ۸/۳۵).

خداوند در آیات فوق با الفاظ ﴿لِتَشْقَى﴾، ﴿بَاخِعٌ﴾، ﴿حَسْرَاتٍ﴾ نهایت مهربانی و ملاحظت خود را نسبت به پیامبرش ابراز می‌دارد. ﴿تَشْقَى﴾ از ریشه «شَقَو» می‌باشد. «در اینجا در معنای دنیوی به معنای «تعَب» یعنی رنج و مشقت، سختی و گرفتاری (راغب، ۱۴۱۲، ص ۴۶۰) به کار رفته است. با توجه به سیاق عبارات بین آیه ۲ سوره طه با آیه ۳ سوره شعراء تشابه مضمونی وجود دارد (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۰).

در آیه دوم سوره طه، فعل ﴿أَنْزَلْنَا﴾ نکره در سیاق نفی است که افاده عموم می‌نماید و لازمه عمومیت فعل عمومیت متعلقات آن از مفعول و جار و مجرور نیز هست. لذا هیچگاه هدف از نزول قرآن برای سختی افکندن پیامبر (ص) نبوده است، بلکه تذکری است برای کسانی که از عذاب آخرت می‌ترسند (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۹۴). در متن صحیفه، فعل ماضی «أَتَّعَبَ» از باب افعال از ریشه «تعَب» است و به معنی شدت سختی و متضاد راحتی و استراحت است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ۲۳۱ / زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱، ۳۲۶ / فیروز آبادی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۲).

فعل‌های ماضی «أَدَّابَ» و «أَتَّعَبَهَا» در متن صحیفه علاوه بر بیان سختی‌ها، از حتمی بودن و تحقق این رنج‌ها بر جسم و جان پیامبر (ص) خبر می‌دهد. بنابراین، اینها همه علتی بر نزول چند آیه قرآنی است که برای تسلی خاطر پیامبر (ص) نازل شده است. نقطه اتصال بین خدا و خلق شخص رسول الله (ص) می‌باشد؛ زیرا مراد از مرجع دو ضمیر «هاء» در «أَتَّعَبَهَا» و «نفسه» شخص نبی (ص) می‌باشد. حضرت سجاد (ع) با آوردن دو عبارت «تَبْلِيغِ رِسَالَتِكَ بِالِدُّعَاءِ إِلَى مِلَّتِكَ» مشخص می‌نماید که این سختی‌ها و رنج‌ها مربوط به امور شخصی پیامبر (ص) نبوده، بلکه مربوط به رسالت ایشان در تبلیغ دین و آیین خداوند است. لذا هدف ایشان تعلیل و تبیین متن

قرآنی می‌باشد، بدین صورت که علت نزول قرآن ﴿أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ﴾ بر پیامبر (ص) این است که پیام خداوند در رابطه با روش و آیین زندگی به مردم منتقل شود. همانطور که مشاهده می‌شود، متن صحیفه در ایضاح و روشن‌سازی متن قرآنی کمک مؤثری به مخاطبان می‌نماید. همچنین دلیل و علت نزول اینگونه آیات را بیان می‌دارد. مطالعه فرازهای دیگر همین دعا برهان‌آوری است بر علت نزول آیات قرآنی مورد نظر که برای تسلی خاطر نبی (ص) نازل شده است، زیرا حضرت سجاد (ع) از فراز چهارم دعای دوم تا فراز بیست و سوم به زندگی همراه با تلاش و پایداری حضرت محمد (ص) می‌پردازد و با توصیف آنها، در صدد است علاوه بر بیان سختی‌های مسیر رسالت، علت نزول آیات قرآنی فوق را بیان نماید.

۲-۲-۳- ذکر برهان بر نعمت‌انگاری مقام پیامبر (ص)

امام سجاد (ع) در مقدمه دعای دوم با آوردن عبارت «مَنْ عَلَيْنَا» از حضرت محمد (ص) به عنوان نعمتی بزرگ بر ما یاد می‌نماید و از این طریق، علاوه بر بیان تنها مصداق برای عبارت قرآنی ﴿رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ﴾ (آل عمران: ۱۶۴ / ۳) ذهن مخاطب را راهی آیه مورد نظر نموده که در هر دو کلام از نعمت رسالت به عنوان «مَنْت» یاد شده است: ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ﴾ (آل عمران: ۱۶۴ / ۳)؛ «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ» (دعای ۲ / فراز ۱). «مَنْ» و «مَنْت» به معنای نعمت بزرگ است که در معنای فعل، برخلاف معنای اسمی که ناپسند است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۷۷) معنای نعمت زیاد و ارزشمند نهفته است، مثل نعمت هدایت، نعمت رسالت، نعمت ایمان، ... و نعمت وارث شدن در حکومت بر زمین. خداوند در آیه مورد نظر به مؤمنان متذکر می‌شود که نعمت بزرگ بعثت پیامبر (ص) به خاطر این است که وی با تلاوت قرآن، مردم را از عقاید نادرست، اخلاق و اعمال بد پاکشان می‌کند چراکه قبل از این در گمراهی آشکاری بودند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۹۷). امام سجاد (ع) نیز پس از شکر این نعمت بزرگ که امتهای گذشته از آن محروم بودند (دعای ۲ / فراز ۱)، با آوردن «فاء» فصیحی در، «فَخَتَمَ بِنَا عَلَى جَمِيعٍ مَنْ ذَرَأَ» (دعای ۲ / فراز ۲) نتایج و ثمرات این نعمت عظیم را برای مسلمانان در اجتماع به تصویر می‌کشد به طوری که امت اسلام را خاتم آفریدگان، گواه منکران و پرشمارترین امتهای (دعای ۲ / فراز ۲) معرفی می‌نماید. بر این اساس، کلام امام (ع) علاوه بر اینکه مکمل و متمم کلام خداوند است، دلیل محکمی است بر اینکه چرا خداوند از بعثت نبی مکرم اسلام (ص) به عنوان نعمت بزرگ بر مؤمنین یاد کرده است.

لذا حضرت (ع) در ادامه این دعای پربار با درود خاصه بر پیامبر (ص) که مزین به عناوین: «امین وحی الهی»، «برگزیده از میان آفریدگان»، «امام الرحمة»، «رهبر و پیشوای خیر» و «کلید برکات» (دعای ۲ / فراز ۴) است، بر صحت این نعمت بزرگ الهی تأکید می‌نماید. همچنین امام (ع) با ترسیم سختی‌های رسالت جد بزرگوارشان از قبیل سختی دل‌کندن از وطن (دعای ۲ / فراز ۱۵)، جان خویش را در بوته رنج و تعب نهادن (دعای ۲ / فرازهای ۴ و ۱۵)، مبارزه با کافران حتی در دل خانه‌های آنان (دعای ۲ / فرازهای ۱۹-۲۱)، نشان می‌دهد که این همه تحمل سختی برای این بود که آیین الهی پیروز و نمایان شود و «کلمة الله» برتر گردد (دعای ۲ / فراز ۲۲). این تلاشها که از طریق سیاق فرازهای بعدی دعا بدست آمده، همه بیانگر لیاقت و شایستگی نبی مکرم اسلام (ص) است و همه دلایلی محکم بر این که چرا خداوند از ایشان به عنوان منت بر مؤمنین یاد می‌نماید. (آل عمران: ۳ / ۱۶۴).

۲-۲-۴- ذکر برهان برای هجرت نبوی

حضرت سجاد (ع) در فراز ۱۶ از دعای دوم سختی‌های دل‌کندن از وطن را بیان می‌دارد که چگونه پیامبر اکرم (ص) آن را تحمل کرده و از موطن و زادگاهش به مکانی دور هجرت نمودند. این همه تحمل سختی و رنج برای این بود که دین خداوند را یاری نماید و بر اهل کفر پیروز شود: «إِرَادَةٌ مِنْهُ لِإِعْزَازِ دِينِكَ وَ اسْتِنصَارًا عَلَيَّ أَهْلِ الْكُفْرِ بِكَ» (دعای ۲ / فراز ۱۶). بنابراین، متن صحیفه تعلیلی بر متن قرآنی می‌باشد آنجا که خدا می‌فرماید: ﴿فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ... فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا﴾ (توبه: ۴۰ / ۹)؛ یعنی خداوند به دلیل اینکه هدف پیامبر (ص) از هجرت، یاری دین خدا و پیروزی بر دشمنان خدا بود، سربازان غیبی خود را به کمک نبی خویش فرستاد. از تعابیر متن صحیفه به دست می‌آید که هدف از هجرت پیامبر (ص) پیروزی دین اسلام است.

خداوند در آیه چهارم سوره توبه علت پیروزی بر اهل کفر را بالاتر و برتر بودن ﴿كَلِمَةُ اللَّهِ﴾ نسبت به ﴿كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ بیان می‌دارد: ﴿وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَ كَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا﴾ (توبه: ۴۰ / ۹). طبق عبارت ﴿وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ در ذیل آیه فوق‌الذکر که به جملات قبلی عطف شده است، هیچ کس و هیچ چیز نمی‌تواند بر قدرت خداوند غلبه کند (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۰۳)، لذا پیامبرش را در تمامی مراحل رسالت بر کافران حمایت می‌نماید. این پیروزی یکی از ثمرات هجرت پیامبر (ص) می‌باشد که حضرت (ع) بدان تصریح نموده است: «وَ

استتصاراً عَلَى أَهْلِ الْكُفْرِ بِكَ» (دعای ۲ / فراز ۱۶). چنانکه مشاهده شد، دو متن مکمل و متمم یکدیگرند. همچنین، از طریق سیاق درون‌متنی می‌توان فهمید که آیه مورد نظر برهان‌آوری بر متن صحیفه است؛ بدین صورت که متن قرآنی علت پیروزی پیامبر (ص) بر کافران - که متن صحیفه بدان تصریح نموده را - برتر بودن ﴿كَلِمَةُ اللَّهِ﴾ بیان می‌دارد. امام سجاد (ع) نیز در ادامه دعا با آوردن عبارت «حَتَّى ظَهَرَ أَمْرُكَ وَ عَلَتْ كَلِمَتُكَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (دعای ۲ / فراز ۲۲)، تلمیح به آیه ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ (صف: ۶۱ / ۹) می‌زند و به عنوان نتایج هجرت و جهاد در راه خدا، متن قرآنی را تأیید می‌نماید و تحقق وعده خداوند را نمایان می‌سازد، یعنی نتایج سختی‌های راه رسالت و جنگ‌های بعد از هجرت این بود که دین خداوند آشکار گردید و کلمه الله برتر شد، اگرچه مشرکان را ناخوش افتاد.

۲-۳- نقش تطبیقی در معرفی دریافت‌کننده وحی

بیان مصداق یا «جری و تطبیق» گونه‌ای از تفسیر است که در آن، معصوم (ع) واژه یا آیه‌ای از قرآن را با بیان مصداق آن تبیین می‌نماید و حوزه دیگری در وادی معناشناسی می‌گشاید (خاکپور، ۱۳۹۰، ص ۵۸). برخی از آیات قرآن دارای مصادیق با مراتب مختلف‌اند که کامل‌ترین و عالی‌ترین مصداق آن آیه، مصداق اکمل یا اعلای آیه محسوب می‌شود (رضی بهابادی، ۱۳۹۰، ص ۱۶).

امام (ع) در دعای ختم قرآن با تصریح به کلمه «وحی» و «محمد»، علاوه بر بیان اولین و مهمترین مسئولیت نبی (ص)، (دریافت وحی) محمد را به عنوان تنها مصداق آیه: ﴿إِنَّا نَحْنُ نُزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا﴾ (انسان: ۷۶ / ۲۳) مشخص می‌نماید (دعای ۴۲ / فراز ۲). در بررسی انجام شده مشخص شد که در اکثر موارد حضرت سجاد (ع) به خاطر اهمیت موضوع رسالت حضرت ختمی مرتبت، با آوردن نام «محمد»، ایشان را به عنوان تنها مصداق و یا مصداق اعلای برخی از آیات معرفی کرده‌اند. البته علاوه بر موضوع مهم «وحی»، در موضوعات دیگر نیز تعیین مصداق شده است که در ذیل نمونه‌هایی از آن بررسی می‌شود.

۲-۳-۱- نقش تطبیقی در بیان نعمت ختم رسالت

همانطور که در بخش برهان‌آوری بیان شد، امام سجاد (ع) امت اسلام را به یمن نعمت بزرگ رسالت، «خاتم آفریدگان» فَخْتَمَ بِنَا عَلَيَّ جَمِيعَ مَنْ دُرّاً» (دعای ۲ / فراز ۱) معرفی کرد. خداوند نیز در آیه ۴۰ احزاب پیامبر (ص) را ﴿خَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾ معرفی می‌نماید.

منظور امام از عبارت: «فَخَتَمَ بِنَا عَلٰی جَمِيعِ مَنْ ذَرَأَ» (دعای ۲/فراز ۲) آن است که ما را خاتم همه امتها گردانید چون پس از ما امتی نیست که رسول و پیغمبری برای آنها بفرستد. (فیض الاسلام، ۱۳۷۶، ص ۴۴) طبق آیه: ﴿اِنَّ مِنْ اُمَّةٍ اِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيْرٌ﴾ (فاطر: ۲۴/۳۵)، «هیچ امتی نبوده جز آنکه در میانشان ترساننده و پیغمبری بوده است». بنابراین، از مضمون کلام امام و خداوند در کنار هم «خاتم آفریدگان، خاتم النبیین» بر می آید که امت اسلام و حضرت محمد (ص) مصداق اعلاء و اکمل آخرین امت و نذیر برای آیه مورد نظر (فاطر: ۲۴/۳۵) محسوب می شوند.

۲-۳-۲- نقش تطبیقی در بیان احاطه علمی پیامبر (ص) به غیب

امام سجاد (ع) در دومین فراز از دعای تحیت پیامبر (ص) با معرفی رسول اکرم (ص) به عنوان امین وحی الهی، علاوه بر تصریح به ویژگی مهم امانتداری که دریافت کننده وحی باید به آن متصف باشد، مصداق اعلائی ﴿مِنْ رَّسُوْلٍ﴾ را در آیات ﴿عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلٰی غَيْبِهِ اَحَدًا * اَلَا مَنْ ارْتَضٰی مِنْ رَّسُوْلٍ فَاِنَّهٗ یَسْئَلُكَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهٖ وَ مِنْ خَلْفِهٖ رَصَدًا﴾ (جن: ۷۲/۲۶ و ۲۷) بیان می نماید و حضرت محمد (ص) را به عنوان رسولی که خداوند از وی خشنود است و اسرار غیبی خویش را برایش آشکار می سازد، معرفی می کند. لذا کلام حضرت (ع) مکمل متن قرآنی است. همچنین، صحیفه به عنوان منبع اصیل که به طور مستقیم از امام معصوم (ع) صادر شده، پشتوانه محکمی برای تفاسیر روایی محسوب می شود؛ چراکه تفاسیر روایی نیز مصداق ﴿مِنْ رَّسُوْلٍ﴾ را حضرت محمد (ص) معرفی نموده اند. ذیل این آیه، روایات بی شماری وجود دارد که بیان می کند رسول الله (ص) علم غیب را از راه وحی از خدای تعالی گرفته و امامان (ع) از ایشان به ارث گرفته اند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۵۹ و ر.ک: حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵، صص ۴۴۲-۴۴۵/بحرانی، ج ۵، صص ۵۱۳-۵۱۴).

۲-۳-۳- نقش تطبیقی در بیان هدایت گری پیامبر (ص)

حضرت سجاد (ع) در دعای ختم قرآن برای بیان مصداق اعلاء و بیان مصادیق جدید واژگان قرآنی ﴿عَلَامَاتٍ﴾ و ﴿النَّجْمِ﴾ در آیه ۱۶ سوره نحل، به شیوه تمثیل عمل می نماید و الگوبودن و نقش هدایتی جد بزرگوارش را اینگونه یادآور می شود: «اللَّهُمَّ وَ كَمَا نَصَّبْتَ بِهٖ مُحَمَّدًا عَلَمًا لِلدَّلَالَةِ

عَلَيْكَ» (دعای ۴۲ / فراز ۸). خداوند نیز از این فضیلت به طور ضمنی اینگونه یاد می‌نماید: ﴿وَعَلَّمَاتٌ وَالنَّجْمُ هُمْ يَهْتَدُونَ﴾ (نحل: ۱۶ / ۱۶).

در متن صحیفه نام «محمد» با کلمات «عَلَّمَاتٌ» و «دِلَالَةٌ» مقید شده است. «عَلَّمَاتٌ» از ریشه «علم» و به معنی نشانه و پرچم و مناره‌ای است که در راه نصب می‌شود تا به وسیله آن مسافران راه یابند (مدنی شیرازی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۴۵۲). «دِلَالَةٌ» مصدری از ریشه «دل» به معنی نشان دادن و ارشاد است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۵۴) که با آن دیگران به معرفت و شناختن چیزی برسند (راغب، ۱۴۱۲، ص ۳۱۶).

ساختار آیه ۱۶ سوره نحل هدایت صوری (مادی) را عنوان می‌نماید (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۳۲۰). نام «محمد» نیز در این آیه نیامده است؛ لیکن می‌تواند هدایت معنوی را نیز شامل شود. با توجه به سیاق چند آیه قبل ﴿وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ﴾ (نحل / ۹) و طبق روایات فراوان می‌توان تأویل باطنی آیه مورد نظر را هدایت معنوی دانست. روایات بیان می‌دارند که مراد از ﴿نَجْمٌ﴾، شخص رسول الله (ص) است. به طور مثال، امام صادق (ع) فرمود: «النَّجْمُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَالْعَلَّمَاتُ الْأَئِمَّةُ (ع)» (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۸۳) / رک: بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳، صص ۴۰۸-۴۰۹ / فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۲۹ / حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، صص ۴۵-۴۶).

همچنین، با توجه به ظرفیت قرآن که تاب معانی گسترده‌ای را دارد؛ به علاوه، با در نظر گرفتن معنای لغوی واژه ﴿نَجْمٌ﴾ و با وجود فعل ﴿يَهْتَدُونَ﴾^۱ و قرائن موجود دیگر از جمله سیاق آیات قبلی (نحل: ۱۶ / ۹) که خداوند خود عهده‌دار نشان دادن راه راست است (هدایت معنوی)، علت به کارگیری این تعبیر استعاره‌ای از سوی خداوند بیشتر روشن می‌شود و نشان می‌دهد که مراد اصلی خداوند در متن قرآنی هدایت معنوی است.

با نگاهی به رسالت ۲۳ ساله رسول اکرم (ص) که با نزول تدریجی قرآن همراه بود، می‌توان دریافت که ایشان با دریافت کلام وحی و با تلاوت و تعلیم قرآن و حکمت (آل عمران: ۱۶۴ / ۳)، مردم فرورفته در تاریکی‌ها و ظلمات عصر جاهلیت را به سوی نور و روشنایی هدایت می‌کرد و این همان مفهوم تعبیر کنایی حضرت سجاد (ع) است که در کنار متن قرآنی تفسیری بسیار زیبا به دست می‌دهد بدین معنا که حضرت محمد (ص)، مانند ستاره‌ای روشن ﴿بِالنَّجْمِ﴾ در

۱. در قرآن هر جا سخن از ائمه حق است، کلمه همنشین آن «یهدون» یا کلمات مشابه آن می‌باشد نظیر آیه ﴿وَجَعَلْنَا هُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا﴾ (انبیاء: ۷۳ / ۲۱). بنابراین، حضور فعل «یهدون» در متن قرآن دلالت بر هدایت معنوی امامان حق دارد (امینی، ۱۳۹۲، صص ۷۱-۷۴).

شبهای ظلمانی مکه طلوع نمودند و با استعانت از نور الهی قرآن (ابراهیم: ۱۴ / ۱) که نقش هدایتی دارد، آنچنان اوج گرفتند که نور پر تالو آن، نه تنها شبه جزیره عربستان، بلکه بر سرتاسر جهان تابید.

نکته لطیف دیگری که در فراز فوق به چشم می‌خورد، این است که مرجع ضمیر «هاء» در عبارت «كَمَا نَصَبْتَ بِهِ» به کلمه «قرآن» بر می‌گردد. امام (ع) در صدد رساندن این نکته است که این دو نور الهی (قرآن و حضرت محمد) در کنار هم و با استعانت هم، راهنما و وسیله ارشاد خلق به سوی باری تعالی می‌باشند: «كَمَا نَصَبْتَ بِهِ مُحَمَّدًا عَلَمًا لِلدَّلَالَةِ» و این خود می‌تواند مکمل و متمم آیه مورد نظر (نحل: ۱۶ / ۱۶) باشد؛ یعنی مراد خداوند از ﴿عَلَامَاتٍ﴾ و ﴿النَّجْمِ﴾ علاوه بر حضرت محمد (ص) و ائمه (ع)، نور قرآن نیز هست. حضرت برای واژگان قرآنی ﴿عَلَامَاتٍ﴾ و ﴿النَّجْمِ﴾ مصادیق جدیدی را بیان نموده که تفاسیر روایی بدان نپرداخته‌اند. هدف وی بیان نشانه‌ها و وسیله‌های الهی برای رسیدن به کمال انسانی می‌باشد.

۲-۳-۴- نقش تطبیقی در بیان مقام شفاعت‌گری پیامبر(ص)

امام سجاد (ع) در موضوع مهم شفاعت در چندین جای صحیفه با آوردن عبارات: «وَلَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ إِلَّا شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ» (دعای ۴۸ / فراز ۶)، «اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِيَّنَا... أَمْكَنَّهُمْ مِنْكَ شَفَاعَةً» (دعای ۴۲ / فراز ۱۸) برای مستثنی در آیات قرآنی ﴿لَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ﴾ (زخرف: ۴۳ / ۸۶) و ﴿لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾ (مریم: ۸۷ / ۱۹) تعیین مصداق می‌نماید.

سیاق آیه ۸۶ سوره زخرف سیاق عموم است، پس غیر از خدا هیچ معبودی نه ملائکه و نه جن و نه بشر و نه هیچ معبودی دیگر مالک شفاعت نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۲۷) «مگر کسی که با کلمه توحید سخن گوید و از روی علم بدان ایمان آورد» (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۶، ص ۵۶۲).

عهد مطرح شده در آیه ۸۷ مریم «معنای وسیعی دارد که هرگونه رابطه با پروردگار و معرفت و اطاعت او و همچنین، ارتباط و پیوند با مکتب اولیای حق و هرگونه عمل صالح در آن جمع است؛ هرچند در هر روایتی به بخشی از آن یا مصداق روشنی اشاره شده است» (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۱۳۶). همچنین، در روایات یکی از احتمالات در معنای «عهد» در آیه اخیر، وعده

شفاعتی است که خداوند به امثال انبیاء و امامان و مؤمنین و ملائکه داده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۸۲۰).

حضرت سجاد (ع) با عبارت «أَجَلٌ مَا وَعَدْتُهُ» (دعای ۲ / فراز ۲۵) اشاره به وعده خداوند که در آیه ۵ سوره ضحی به حضرت محمد (ص) داده است، می نماید (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۵۹۵) و با تأکید بر اینکه تنها امید شفاعت را باید از وی و خاندانش داشت: «رَجَوْتُهُ إِلَّا شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ...» (دعای ۴۸ / فراز ۶) و در نهایت با آوردن این عبارت: «شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ» به عنوان مستثنی برای مستثناهای متن قرآنی ﴿إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ﴾ (زخرف: ۴۳ / ۸۶) ﴿إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾ (مریم: ۸۷ / ۱۹) تعیین مصداق می نماید. تفسیر متن قرآنی در کلام حضرت (ع) بدین گونه است که فقط به شفاعت پیامبر (ص) و اهل بیت ایشان باید امید داشت چراکه ایشان مصداق اعلائی کسانی هستند که شهادت به توحید و حقانیت پروردگار متعال داده اند: ﴿إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ﴾، همان کسانی که بر سر بندگی و طاعت و ادای رسالت نبوت و امامت، عهد و پیمانی محکم با خدای خویش بسته اند: ﴿إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾.

نتیجه گیری

از مقاله حاضر نتایج ذیل بدست آمد:

امام سجاد (ع) در صحیفه در قالب دعا به ویژگی های برجسته و مسئولیت های خطیر نبی اکرم (ص) به تفصیل پرداخته است و حتی در دل صلوات های مکرر خود، جایگاه و مقام نبوی را به زیبایی، ترسیم کرده است. امام (ع) با خلق اصطلاحات جدید مربوط به جایگاه نبوی، جابه جایی کلمات و تعدیل در آیات آنها را بازآفرینی نموده و از این طریق، ابهام آیه را برطرف کرده و افق وسیعی را به روی مفسران و قرآن پژوهان می گشاید.

مهم ترین کارکردهای تفسیری کلام امام (ع) در جهت تبیین و تفسیر، بیان مصداق آیات، تلمیح، تکمیل و برهان-آوری و همچنین، گسترش دلالت مفهوم آیات، می باشد که از این طریق روح تازه ای به مضامین قرآنی می بخشند. همچنین در بسیاری از موارد درهم تنیدگی دو متن قرآن و صحیفه به قدری فراوان است که هر دو متن را به هم وابسته نموده است. در صحیفه مصادیقی یافت می شود که تفاسیر روایی به آن نپرداخته اند. در برخی موارد مشاهده شد که حضرت (ع) در کلام خویش در صدد بیان ناگفته های قرآن می باشد. به تعبیر دیگر، هر دو متن متمم و مکمل یکدیگرند به گونه ای که می توان دو متن را به زیبایی در درون هم تفسیر نمود. این امر باعث شده که در ذهن مخاطب، حقانیت حدیث ثقلین تداعی شود.

همچنین، این کتاب ارزشمند یکی از بهترین منابع برای دستیابی به تفسیر قرآن است، زیرا تفاسیر روایی، احادیث صریح در تفسیر قرآن را جمع آوری می نمایند؛ لیکن با توجه به ساختار

متفاوت صحیفه، می‌توان با تدبیر در مفاد و مضامین دعا‌های آن و با استفاده از سیاق درون‌متنی، به مطالب عمیقی دست یافت که در رشد، توسعه و ارتقای تفاسیر نقلی نقش به‌سزایی دارد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم؛ ترجمه: عبدالمحمد آیتی، ج ۴، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۴ ش.
- *الصحیفة السجادیة*؛ ترجمه: علی نقی فیض الاسلام اصفهانی، ج ۲، تهران: فقیه، ۱۳۷۶ ش.
- *صحیفة سجادیة*؛ ترجمه: محمدمهدی فولادوند، تهران: سوره مهر، ۱۳۷۹ ش.
۱. آقابزرگ طهرانی، محمد محسن؛ *الذریعة الی تصانیف الشیعة*؛ گردآورنده: احمد بن محمد حسینی، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ ق.
 ۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی؛ «معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعة و اسماء المصنفین منهم قدیما و حدیثا»؛ نجف: منشورات المطبعة الحیدریة، بی تا.
 ۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ *التحریر و التنویر*؛ بیروت: مؤسسة التاریخ، بی تا.
 ۴. ابن فارس، احمد؛ *معجم مقاییس اللغة*؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۱ ق.
 ۵. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*؛ بیروت: دارصادر، ۱۳۷۵ ق.
 ۶. اعرابی، غلامحسین؛ «تفسیر روایی قرآن از نظر فریقین»؛ مجله پژوهش دینی، شماره ۱۶، ۱۳۸۷ ش.
 ۷. امینی، فریده، «معناشناسی امام در قرآن کریم»، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: فتحیه فتاحی زاده، دانشگاه الزهراء (س)، ۱۳۹۲ ش.
 ۸. بحرانی، هاشم بن سلیمان؛ *البرهان فی تفسیر القرآن*؛ تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
 ۹. بلاغی نجفی، محمدجواد؛ *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*؛ قم: بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ ق.
 ۱۰. جوادی آملی، عبدالله؛ *ادب فنای مقربان*؛ ج ۳، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۹ ش.
 ۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد؛ *تاج اللغة و صحاح العربیة*؛ تحقیق: احمد بن الغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶ ق.
 ۱۲. خاکپور، حسین؛ «تبیین واژگان آیات قرآن توسط عترت در روایات تفسیری اهل سنت»؛ فصلنامه سفینه، شماره ۳۳، ۱۳۹۰ ش.
 ۱۳. دیباری بیدگلی، محمدتقی؛ «نقش و کارکرد روایات تفسیری معصومان، با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی»؛ حدیث پژوهی، شماره ۵، ۱۳۹۰ ش.
 ۱۴. راغب اصفهانی، حسین؛ *مفردات ألفاظ القرآن*؛ بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ ق.
 ۱۵. ربیع نتاج، سیدعلی اکبر و حیدری، محمدصادق؛ «بررسی کارکرد روایات تفسیری در «متشابه القرآن» ابن شهر آشوب مازندرانی»؛ تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴ ش.
 ۱۶. رضی بهابادی، بی بی سادات و علی بخشی، معصومه؛ «گونه شناسی گفتارهای قرآنی امام موسی کاظم (ع)»؛ حدیث پژوهی، شماره ۶، ۱۳۹۰ ش.
 ۱۷. زبیدی مرتضی، محمد بن محمد؛ *تاج العروس من جواهر القاموس*؛ تحقیق: علی شیری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.

۱۸. زنجشیری، محمود بن عمر؛ *أساس البلاغة*؛ بیروت: بی نا، ۱۹۷۹ م.
۱۹. _____؛ *الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل*؛ ج ۳، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۲۰. سبحانی، جعفر؛ *عقاید اسلامی در پرتو قرآن، حدیث و عقل*؛ ج ۲، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش.
۲۱. سعیدی مهر، محمد؛ *آموزش کلام اسلامی (راهنماشناسی - معادشناسی)*؛ ج ۶، قم: کتاب طه، ۱۳۸۸ ش.
۲۲. سید بن قطب، ابراهیم شاذلی؛ *فی ظلال القرآن*، ج ۱۷، بیروت / قاهره: دارالشروق، ۱۴۱۲ ق.
۲۳. صدر، سیدحسن؛ *تأسیس الشيعة الكرام لعلوم الاسلام*؛ تحقیق: محمدجواد محمودی، بی جا: مؤسسه کتاب شناسی شیعه، ۱۳۹۵ ق.
۲۴. طباطبائی، سیدمحمد حسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه قم، ۱۴۱۷ ق.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن؛ *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*؛ تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۶. طریحی، فخرالدین بن محمد؛ *مجمع البحرين*؛ بی جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۲۷. طوسی، محمد بن الحسن؛ *رجال الطوسی*؛ تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: موسسه النشر الاسلامی، بی تا.
۲۸. عروسی حویزی، علی بن جمعه؛ *تفسیر نور الثقلین*؛ تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۲۹. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ *کتاب العین*؛ ج ۲، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ ق.
۳۰. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب؛ *القاموس المحیط*؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
۳۱. فیض کاشانی، ملاحسن؛ *تفسیر الصافی*؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۴۱۵ ق.
۳۲. فیومی، احمد بن محمد؛ *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*؛ ج ۲، قم: نشر هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۳۳. قرشی، علی اکبر؛ *قاموس قرآن*؛ ج ۶، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۳۴. قمی، علی بن ابراهیم؛ *تفسیر القمی*؛ تحقیق: طبیب موسوی جزایری، ج ۳، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳ ش.
۳۵. مدنی شیرازی، سیدعلی خان بن احمد؛ *ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین*؛ تحقیق: محسن حسینی امینی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۳۶. مصطفوی، حسن؛ *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*؛ قاهره: دارالکتب العلمیه، ۱۴۳۰ ق.
۳۷. مطهری، مرتضی؛ *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*؛ ج ۴، تهران: صدرا، ۱۳۷۷ ش.
۳۸. مغنیه، محمدجواد؛ *تفسیر الکاشف*؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۲۴ ق.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر؛ *تفسیر نمونه*؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ ش.

۴۰. نجاشی، احمد بن علی؛ *رجال النجاشی*؛ تصحیح: موسی شبیری زنجانی، قم: موسسه النشر الاسلامی،

۱۳۶۵ ش.

۴۱. یزدی مطلق، محمود و دیگران؛ *امامت پژوهی*؛ مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۷ ش.